

## و عده هایی که هیچ گاه جامه ای عمل نمی پوشند

روز جمعه یازدهم سنبله سال روان نشستی چهار جانبه ایی میان رؤسای جمهور افغانستان، پاکستان، تاجکستان و روسیه در شهر دوشنبه پایتخت تاجکستان برگزار گردید. در این نشست روی موضوعات متعدد سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی (ایجاد پایپ لاین، خط آهن، برق و ...) بحث های همه جانبه صورت گرفت و و عده و وعیدهای از جانب مقامات به یکدیگر سپرده شدند. جمهوری فدراتیف روسیه و تاجکستان از گذشته ها به اثبات رسانیده اند که به وعده های شان عمل می کنند، به آن چه که می گویند اعتقاد و اعتماد دارند و با پشتوانه ای قوی و محکم، سنجیده و استوار تعهد می سپارند و شعار دهنده محض نیستند.

اما آنچه که قابل تأمل می نمود این بود که رئیس جمهور پاکستان آصف علی زرداری به مبارزه مشترک علیه تروریسم تأکید کرد و وعده داد تا در این راستا گام های جدی و عملی برداشته و افغانستان را یاری رساند، چیزی که در گذشته ها بار بار از سوی مقامات پاکستانی به جانب افغانستان و جامعه جهانی وعده سپرده شده، اما درست بر عکس آن عمل نموده و برخلاف تعهد خویش رویه نموده است و با ختم جلسه و برگشت به کشور تعداد از انتحارکنندگان را به افغانستان اعزام و ثبات را در افغانستان بر هم زده اند.

آری آقای زرداری وعده داد که در راستای مبارزه با تروریسم و آوردن ثبات در افغانستان همکاری نموده و امنیت در افغانستان را به نفع کشور خود و منطقه خواند و کشور خود را نیز قربانی تروریسم قلمداد نمود.

این در حالیست که روز دوشنبه هفتم سنبله دقیقاً پنج روز قبل از مجلس دوشنبه، مرد شماره دوم القاعده در قلمرو پاکستان در مناطق قبایلی آن کشور از سوی نیروهای خارجی هدف قرار گرفته و کشته شد و قبل از آن الیاس کشمیری یکی از فرماندهان ارشد القاعده و اسامه بن لادن رهبر این شبکه تروریستی در همین کشور از پای در آمدند و کشته شدند.

گرچند قتل عطیه عبدالرحمن فرد شماره دوم القاعده باشنده لیبیا و مسوول ارتباطات این شبکه با کشور های خاورمیانه، خود پرسش های زیادی را در قبال داشت. چون گفته می شود که موصوف در مناطق قبایلی وزیرستان جنوبی پاکستان جایی که جلال الدین حقانی از نفوذ قابل ملاحظه ای بر خوردار است، فعالیت داشت و جلال الدین حقانی از آن بیم داشت که مبادا موصوف به عنوان رقیب بزرگ وی در ساحه زیر نفوذش تبدیل و افراد تحت امرش را به سازمان خود جذب و وی را به تفاله ای بی ارزش مبدل سازد، از همین لحاظ اطلاعات خود را به نحوی از انحا با امریکایی ها شریک ساخته تا باشد که با از میان برداشتن وی میدان تاخت و تاز حقانی از دستش رفته و از شر وی خلاص شود.

جدا از اینکه فرد شماره دوم القاعده چگونه کشته شد، اما نفس قضیه در این است که وی در خاک پاکستان و زیر ریش سازمان آی اس آی از سوی امریکایی ها به قتل رسید و نشانگر آن است که پاکستان بر خلاف وعده های مقامات آن کشور، به پناهگاه امن تروریستان و شاید هم حامی این گروه تبدیل شده و سازمان القاعده و گروه های وابسته به آن با خیال آسوده و راحت از خاک پاکستان فعالیت های خصمانه خویش را علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، منطقه و جهان سازمان داده و به منصفه ای اجراء قرار می دهند. و افراد و اشخاص را جلب و جذب، تربیه و تجهیز و غرض بر آورده نمودن مقاصد و امیال خویش به کشور های دیگر اعزام نموده و امنیت جهانی را به مشکل جدی مواجه سازند. قتل رهبران القاعده در قلمرو پاکستان می رساند که دولت و حکومت پاکستان ریگ در کفش داشته در امر مبارزه با تروریسم صادق نیستند بلکه بانیانی اند که پشت پرده از تروریستان حمایت، در سدد فریب جامعه ای جهانی بر آمده و از پشت خنجر می زنند.

حال بر جامعه جهانی و در رأس آن ایالات متحده امریکا است که میدان مبارزه با تروریسم را وسعت داده و ریشه های تروریسم را در قلمرو تروریست پرور پاکستان جستجو و قلع و قمع نمایند. از سویی دیگر بر سازمان اطلاعات آن کشور فشار وارد نمایند تا دست از حمایت دهشت گران و دهشت افگنان برداشته در راستای امنیت جهانی، از خود جدیت به خرج داده صادقانه عمل نمایند.

پایان

